

فره‌نج‌نجان

فره‌نج‌نجان

فره‌نج‌نجان

فره‌نج‌نجان

فره‌نج‌نجان



فاطمه سادات میرتضوی

خبرنگار گروه اقتصاد

در ماه‌های اخیر ۲۰۲۵، دولت ترامپ سیاست‌های تجاری تهاجمی خود را علیه متحدان آسیایی تشدید کرد. تمرکز این سیاست‌ها بر کاهش کسری تجاری آمریکا و افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم در صنایع حساس این کشور بود. به‌طور خاص، ژاپن و کره‌جنوبی ملزم به سرمایه‌گذاری‌های کلان ۵۵۰ و ۳۵۰ میلیارد دلاری در آمریکا شدند؛ رقمی که معادل ۴۱.۶ درصد و ۲۴ درصد از ذخایر ارزی این کشورها است و هند نیز با فشار مشابهی روبه‌رو شد. این سیاست‌ها، علاوه بر تغییر در تعرفه‌ها، با تهدید افزایش تعرفه‌ها در صورت عدم پذیرش همراه بود. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در تازه‌ترین مواضع خود در ۲۵ سپتامبر اعلام کرده است که کره‌جنوبی و ژاپن در مجموع متعهد به پرداخت ۹۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری «پیش‌پرداخت» در خاک آمریکا هستند؛ رقمی که او آن را محصول مستقیم سیاست‌های تعرفه‌ای خود معرفی کرده و به‌عنوان ابزار اصلی کاهش نرخ‌های گمرکی مورد استفاده قرار داده است. ترامپ در سخنرانی اخیر خود مدعی شد: «به لطف توافق‌های تجاری و تعرفه‌ای، ما ۳۵۰ میلیارد دلار از کره‌جنوبی و ۵۵۰ میلیارد دلار از ژاپن دریافت می‌کنیم. این یک پیش‌پرداخت واقعی است.» این موضوع در حالی از سوی ترامپ مطرح می‌شود که مقامات کره‌جنوبی روایت دیگری از ماجرا دارند. تحلیلگران می‌گویند این زیاده‌خواهی دولت ترامپ می‌تواند برای متحدان آمریکا دسرسازش‌شده و به‌ندریچ آنان را از آمریکا دور کند.

روایت یک باج ۹۰۰ میلیارد دلاری

مذاکرات تجاری میان کره‌جنوبی و ایالات متحده طی سالل ۲۰۲۵ به یکی از پرچالش‌ترین مناقشه‌های اقتصادی تبدیل شده است؛ جایی که فشارهای تجاری و دیپلماتیک واشنگتن، همزمان با مسائل امنیتی و وزایی، زنجیره‌ای از چالش‌های اقتصادی را برای سنول ایجاد کرده است. در ماه‌های اخیر نیز روابط اقتصادی میان واشنگتن و سنول وارد مرحله‌ای تازه از تنش شده است. در حالی که دو کشور بیش از شش دهه است که متحدان امنیتی محسوب می‌شوند و کره‌جنوبی میزان دهه‌ها هزار نیروی نظامی آمریکایی است، این روزها اختلافات مالی و تجاری میان دو طرف به بحرانی بی‌سابقه تبدیل شده است. دولت دونالد ترامپ از کره‌جنوبی خواسته رقمی معادل ۳۵۰ میلیارد دلار را به‌عنوان سرمایه‌گذاری مستقیم در اقتصاد ایالات متحده تعهد کند؛ رقمی که معادل بیش از ۷۰ درصد کل ذخایر ارزی کره‌جنوبی است و به گفته کارشناسان می‌تواند این کشور را تا مرز بحران مالی تازه‌ای ششیبه بحران ۱۹۹۷ سوق دهد. بر اساس آمارهای وزارت تجارت کره، مبادلات تجاری دو کشور در سال گذشته بیش از ۱۸۰ میلیارد دلار بوده است. آمریکا یکی از بزرگ‌ترین مقاصد صادراتی سنلول، به‌ویژه در حوزه خودرو، نیمه‌هادی و داروسازی است. در سال ۲۰۲۴، صادرات داروهای کره‌ای به آمریکا به حدود ۴ میلیارد دلار رسید و صادرات خودرو نیز با رشد ۱۲ درصدی بخش مهمی از تراز تجاری را شکل داد. همین صنایع اکنون در معرض تعرفه‌های تازه قرار گرفته‌اند؛ ترامپ اخیراً اعلام کرده است که تعرفه‌های جدید شامل دارو (۱۰۰ درصد)، کامیون‌های سنگین (۲۵ درصد) و میلمان و تجهیزات خانگی (۳۰ تا ۵۰ درصد) خواهد شد.

قصه از کجا شروع شد؟

روز ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۵ بود که رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، در کاخ سفید و در جریان یک سخنرانی رسمی پس از امضای دستور اجرایی دریافت حقوق تجاری پلتفرم TikTok اعلام کرد به‌واسطه توافق تعرفه‌ای با کره‌جنوبی، آمریکا یک پیش‌پرداخت ۳۵۰ میلیارد دلار دریافت کرده است. این سخنان تنها چند روز پس از پایان مذاکرات تعرفه‌ای آمریکا و کره‌جنوبی در اواخر جولای ۲۰۲۵ بیان شد. از سوی دیگر، رئیس‌جمهور کره‌جنوبی، لی جانگ‌میونگ، با ابتدا مذاکرات با آمریکا را «بربرید» ارزیابی کرد و توافق شفاهی را کافی دانسته بود، اما بعداً مشخص شد که یادداشت تفاهم (MOU) ارسال‌شده توسط آمریکا شامل یک بند «تأمین مالی نقدی» است که با برداشت اولیه کره تفاوت داشته و شکافی میان ارزیابی اولیه و واقعیت ایجاد کرده است. البته کره‌جنوبی تنها کشوری نیست که به‌عنوان متحد استراتژیک ترامپ با افزایش تعرفه‌ها از ایالات متحده آسیب می‌بیند؛ در ماه‌های اخیر بسیاری از متحدان استراتژیک ترامپ از جمله هند، ژاپن و ترکیه با افزایش تعرفه به سمت قدرت‌های بلوک شش‌گوش گرایش پیدا کردند، اما در یک ماه اخیر با تهدیدهای تجاری ترامپ روبه‌رو شدند. به عبارت دیگر، ترامپ با این اقدامات بار دیگر

ترامپ به متحدان خودش هم رحم نمی‌کند

تبدیل شد. بر این اساس ترکیه در چهارچوب این قرارداد سالانه حدود ۳۰۰ هزار بشکه نفت روسیه در روز خریداری می‌کند که ارزش مالی آن طی پنج سال به ۴۳ میلیارد دلار می‌رسد. این نفت عمدتاً برای صنایع داخلی و تولید انرژی ترکیه در نظر گرفته شده و تا حدی وابستگی کشور به واردات نفت از خاورمیانه و آفریقا را کاهش می‌دهد.

این موضوع حالا با واکنش ترامپ روبه‌رو شده و وی اخیراً گفته است: «اردوغان واردات نفت و گاز روسیه را متوقف خواهد کرد. می‌دانید چرا؟ چون امکان خرید از دیگران هم وجود دارد.» کارشناسان معتقدند که ترامپ در مورد تداوم خرید نفت و گاز روسیه، با دو کشور اروپایی دیگر یعنی مجارستان و اسلواکی مماشات کرده، اما در مورد ترکیه، قصد کوتاه آمدن ندارد. به این ترتیب دونالد ترامپ عملاً اردوغان را در یک وضعیت آچمز قرار داده و احتمال پیشرفت در پرونده فروش جنگنده‌های اف ۱۵ و اف ۳۵ بستگی به دیدگاه ترکیه در تبعیت از خواسته‌های ضدروسی ترامپ دارد. خبرگزاری تسنیم در گزارشی مدعی شد درحال حاضر روسیه حدود ۴۰ درصد از نیازهای گازی ترکیه را تأمین می‌کند و همچنین بیش از ۷۰٪ از واردات نفت خام ترکیه از روسیه است. همچنین روسیه در حال ساخت اولین نیروگاه هسته‌ای ترکیه در آک کویو است که به عنوان یک مگا پروژه ۲۰ میلیارد دلاری، برای اردوغان و حزب حاکم اهمیت بالایی دارد. آنسکارا حالا با تبیلع قراردادهای چندمیلیارد دلاری با ایالات متحده ودر عین حال کاهش تعرفه‌های واردات ایالات متحده، سعی کرده از رویکرد معامله‌گرایانه دولت ترامپ بهره ببرد. این قرارداده‌ها شامل یک قرارداد ۲۰ ساله به ارزش ۴۳ میلیارد دلار برای خرید گاز طبیعی مایع آمریکایی است. بر اساس این توافق، شرکت دولتی بوتاش ترکیه متعهد شده تا سال ۲۰۴۵، سالانه ۴ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی مایع از شرکت مرکوریا وارد کند. این قرارداد به مدت ۲۰ سال ادامه خواهد داشت. همچنین قرارداد دیگری برای خرید ۲۵۰ هواپیمای تجاری از بوئینگ است.

هند و حرکت روی خطوط قرمز آمریکا

هند در سال‌های اخیر، به‌ویژه طی مذاکرات تجاری و فشارهای آمریکا، نشان داده که حاضر نیست تحت شرایط تحمیلی ایالات متحده قرار گیرد. در حالی که واشنگتن بارها از هند خواسته بود تا از همکاری با بلوک شرق و به‌ویژه روسیه و چین خودداری کند، هند با حفظ استقلال استراتژیک خود، مسیر متفاوتی را انتخاب کرده است. یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های این سیاست، خرید نفت روسیه به ارزش حدود ۴۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۵ است. این اقدام، علی‌رغم هشدارهای مستقیم آمریکا مبنی بر اینکه همکاری با روسیه می‌تواند موقعیت هند را در مذاکرات تجاری تضعیف کند، نشان‌دهنده رویکرد محاسبه‌شده دهلی نو برای تضمین امنیت انرژی خود است. کارشناسان معتقدند که هند با این خرید، همزمان وابستگی خود به نفت آمریکا و بازارهای غربی را کاهش و اهرم فشار سیاسی و اقتصادی خود را افزایش داده است. همچنین روابط تجاری هند با چین در همین دوره، رشد قابل‌توجهی داشته است. حجم تجارت دو کشور در سال ۲۰۲۴ حدود ۱۳۰ میلیارد دلار بوده و بانک جهانی پیش‌بینی کرده در ۲۰۲۵ به ۱۴۵ میلیارد دلار برسد. طبق اعلام OECD واردات هند از چین شامل نیمه‌های‌ها، الکترونیک، تجهیزات صنعتی و داروهای اولیه با ارزش حدود ۷۸ میلیارد دلار و صادرات هند به چین شامل نفت خام، مواد

فشار اقتصادی بر متحدان و کنترل بر فناوری‌های حساس خارجی را به نمایش گذاشت.

در کنار فشارهای اقتصادی مستقیم، تحریم‌ها و تعرفه‌های سنگین آمریکا اثرات ژئوپلیتیک مهمی نیز به دنبال داشته‌اند. متحدان سنتی آمریکا مانند کره‌جنوبی و ژاپن با حتی هند، با این سیاست‌ها نه‌تنها تحت فشار اقتصادی قرار گرفته‌اند، بلکه احساس می‌کنند گره‌زنه‌های تجاری و استراتژیک آن‌ها محدود شده است. یکی از پیامدهای قابل توجه این فشار، تمایل متحدان آمریکا برای گسترش همکاری‌ها با سایر قدرت‌های اقتصادی منطقه‌ای، به‌ویژه قدرت‌های بلوک شرق مانند چین و روسیه است. یکی از نقاط بحرانی مذاکرات کره‌جنوبی و آمریکا، اختیار کره‌جنوبی در انتخاب محل و نحوه سرمایه‌گذاری است. کره صریحاً اعلام کرده که منابع مالی کافی برای تزریق مستقیم ۳۵۰ میلیارد دلار به پروژه‌های تعیین‌شده توسط آمریکا ندارد و اگر قرار است سرمایه‌گذاری انجام شود، باید بتواند خودش تعیین کند کجا و چگونه سرمایه‌گذاری کند. اما دولت ترامپ با این خواسته مخالفت کرده و اصرار دارد که تمام سرمایه‌گذاری‌ها مطابق با برنامه‌ها و پروژه‌های مورد نظر واشنگتن انجام شود. این اختلاف، نمایانگر یک اختلاف اساسی در رویکرد اقتصادی و حاکمیتی است: از یک سو کره به دنبال کنترل و مدیریت ریسک اقتصادی داخلی است و از سوی دیگر آمریکا به دنبال اعمال نفوذ و تضمین منافع تجاری و صنعتی خود است. تنش‌ها به همین جا ختم نمی‌شود. کره در پاسخ به فشار واشنگتن، داستان‌ها و سناریوهای اقتصادی و تجاری دیگری را مطرح کرده تا توان خود برای انتخاب و اولویت‌بندی پروژه‌ها را نشان دهد. به بیان ساده، کره تلاش می‌کند نشان دهد که اجرای یک توافق یک‌طرفه و تحمیلی می‌تواند منجر به ریسک‌های مالی جدی و بحران اقتصادی داخلی شود و حتی بر ثبات اجتماعی و سیاسی کشور تأثیر بگذارد.

در کنار فشارهای مالی، ترامپ اخیراً در پلتفرم رسانه‌ای خود اعلام کرده که تعرفه‌های جدیدی بر گروه‌های کلایی تازه اعمال خواهد شد. از ابتدای ماه آینده، داروها با تعرفه ۱۰۰ درصدی، کامیون‌های متوسط و بزرگ با ۲۵ درصد، تجهیزات آتش‌پز خانه با ۵۰ درصد و میلمان با ۳۰ درصد مشمول محدودیت‌های جدید خواهند شد. این در حالی است که صادرات داروهای کره‌جنوبی به آمریکا در سالل گذشته حدود ۴ میلیارد دلار بوده است. بدین ترتیب، در صورت اجرای کامل این تعرفه‌ها، صنایع دارویی کره‌جنوبی با فشار شدیدی مواجه خواهند شد. در کنار این، نگرانی‌هایی درباره گسترش تعرفه‌ها به حوزه نیمه‌هادی‌ها و مواد معدنی کلیدی نیز وجود دارد. وزارت بازرگانی آمریکا هم اکنون در حال بررسی طرحی است که نسبت و واردات و تولید داخلی نیمه‌هادی‌ها را ۱:۱ الزام می‌کند و در صورت نقض آن، تعرفه‌های سنگین اعمال خواهد شد.

ژاپن همچنان سر به زیر

امسا این اتفاق فقط مختص به کره جنوبی نیست، در ژاپن نیز ماجرای مشابهی برقرار است. ژاپن در توافقی مشابه با آمریکا وعده سرمایه‌گذاری ۵۵۰ میلیارد دلار داده، که تنها ۱۶٫۶ درصد ذخایر ارزی ژاپن را شامل می‌شود.

با آغاز فشارهای تجاری شدید دولت ترامپ بر متحدان آسیایی آمریکا، ژاپن مسیر متفاوتی نسبت به هند و ترکیه در پیش گرفت. برخلاف هند که با چین و روسیه به معاملات گسترده دست زد، ژاپن سعی کرد روابط خود با بلوک شرق را محدود و محتاطانه حفظ کند، به طوری که هم از مزایای اقتصادی همکاری با غرب بهره‌مند شود و هم از واکنش منفی واشنگتن جلوگیری کند. ژاپن توافق کاهش تعرفه‌ها با آمریکا را نهایی کرد و پرداخت سرمایه‌گذاری را به صورت مرحله‌ای انجام می‌دهد تا هم از حمایت تعرفه‌ای بهره‌مند شود و هم فشار اقتصادی آمریکا را کاهش دهد. ژاپن واردات نفت و گاز از روسیه را کاهش داده و به جای آن روی قراردادهای انرژی با خاورمیانه و آمریکا تمرکز کرده است. حجم واردات انرژی ژاپن از روسیه در ۲۰۲۴ حدود ۵ میلیارد دلار بود که نسبت به دهه گذشته کاهش چشمگیری نشان می‌دهد. در مقابل فشار واشنگتن برای پیش‌پرداخت کل سرمایه‌گذاری، ژاپن از پیش‌پرداخت کل مبلغ خودداری کرد و این مدل را به عنوان استراتژی کاهش ریسک اقتصادی و سیاسی انتخاب نمود.

خرید ۴۳ میلیارد دلاری گاز ترکیه از آمریکا

در شرایطی که فشارهای اقتصادی آمریکا بر متحدانش همچنان ادامه دارد، ترکیه در یک ماه اخیر با انعقاد قرارداد ۴۳ میلیارد دلاری برای خرید نفت از روسیه، یک اقدام جنجالی و استراتژیک در برابر ترامپ و رویکرد آمریکا در ۲۰۲۵ انجام داد و به کانون توجه رسانه‌ها و تحلیلگران بین‌المللی

مخاطرات کم توجهی به رویکرد توسعه محور در صنعت پتروشیمی

زیر مجموعه وزارت نفت، مسئولیت طراحی، توسعه، اجرا و نظارت بر این صنعت را بر عهده داشت و تمامی مجتمع‌ها (نظیر بندر امام، اراک، مازون، بویلی، خارک و...) تحت مالکیت دولت بودند. اما از سال ۱۳۸۴، با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، روند واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی آغاز شد. صنعت پتروشیمی به دلیل ارزش صادراتی بالا و جذابیت برای سرمایه‌گذاران، از نخستین بخش‌هایی بود که وارد این فرایند شد.

با این حال، خصوصی‌سازی در معنای واقعی خود محقق نشد. دلیل آن را می‌توان در چند محور خلاصه کرد: بخش عمده‌ای از شرکت‌های واگذارشده عملاً از طریق رد دیون دولتی، به نهادهای شبه‌دولتی یا خصوصی منتقل شدند، نه به بخش خصوصی واقعی. بسیاری از واگذاری‌های شرکت‌های پتروشیمی با قیمت‌های غیرواقعی و بدون رقابت جدی انجام شد. برخی خریداران صرفاً مالکیت را به دست آوردند و هیچ‌کوه توسعه‌ای در زیرساخت یا زنجیره ارزش ایجاد نکردند. نظارت کارآمدی از سوی دولت یا نهادهای ناظر (نظیر دیوان محاسبات یا سازمان بازرسی) بر عملکرد مجتمع‌های واگذارشده وجود نداشت. نتیجه این روند، شکل‌گیری انحصار چند هلدینگ بزرگ شبه‌دولتی بسود که اکنون بخش قابل توجهی از بازار را در اختیار دارند. چنین انحصاری موجب شد سهام‌داران و مالکان این صنعت بیش از هر چیز به کسب سود کوتاه‌مدت بپردازند و مسئله توسعه بلندمدت صنعت

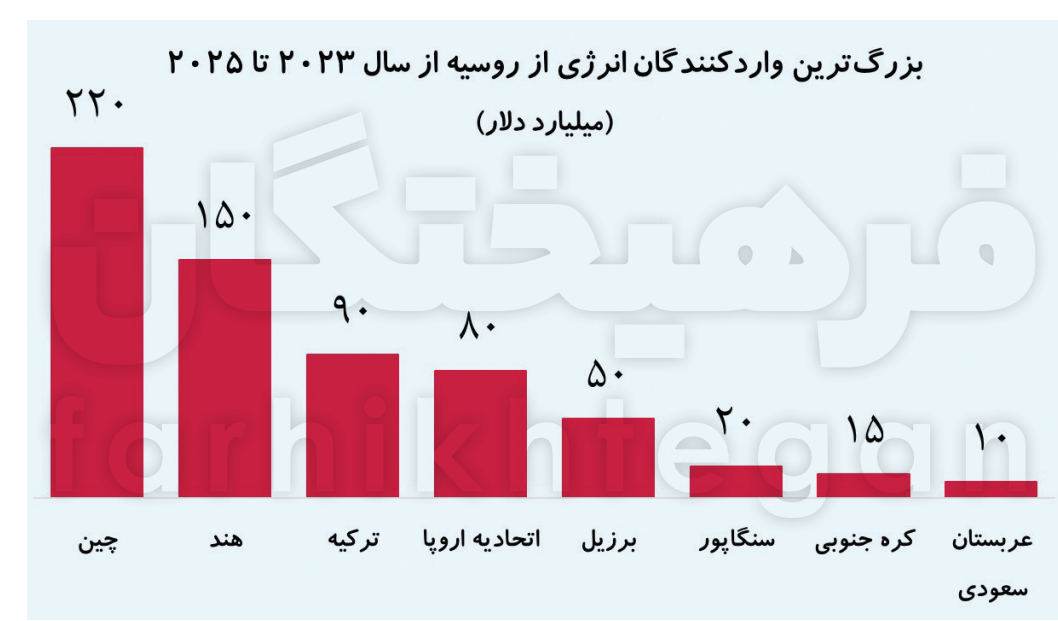
معدنی و محصولات کشاورزی با ارزش ۵۲ میلیارد دلار بوده است. از منظر کارشناسان، این رفتار هند یک نمونه بارز از اثر معکوس فشار اقتصادی آمریکا است. هرچه واشنگتن برای محدود کردن تجارت هند با بلوک شرق فشار بیشتری وارد می‌کند، دهلی نو تمایل بیشتری به همکاری اقتصادی با روسیه و چین نشان می‌دهد. به بیان دیگر، اعمال فشار بیش از حد، می‌تواند متحدان آمریکا را به سمت همکاری با رقبای ژئوپلیتیک واشنگتن سوق دهد. در بخش دفاعی و انرژی نیز هند مستقل عمل کرده است. قراردادهای تسلیحاتی با روسیه، بالغ بر ۱۰-۱۲ میلیارد دلار سالانه، شامل خرید جنگنده، تانک و سیستم‌های موشکی است. این اقدام، همراه با خرید نفت و همکاری با چین، نشان‌دهنده یک استراتژی متوازن است که امنیت ملی، رشد اقتصادی و استقلال سیاسی را همزمان هدف گرفته است.

چرخش انرژی روسیه به سمت شرق

مؤسسه پژوهشی CREA Russia Fossil Tracker می‌گوید روسیه از سال ۲۰۲۳ تا کنون عمده صادرات سوخت‌های فسیلی خود را به سمت آسیا بازآرایی کرده است. با چرخش هند و چین به سمت روسیه نگرانی‌های آمریکا افزایش پیدا کرده به‌طوری‌که اخیراً ترامپ از هند و ترکیه خواسته به سمت توقف واردات انرژی از روسیه حرکت کنند. بر این اساس، حجم تجارت روسیه و چین با بیش از ۲۴۵ میلیارد در رتبه اول شرکای روسیه قرار دارد. این موضوع نشان‌دهنده تعمیق وابستگی متقابل انرژی میان مسکو و پکن است. پس از آن هند در رتبه دوم قرار دارد و عمدتاً واردکننده نفت خام بوده است؛ امری که بیانگر فرصت‌طلبی دهلی‌نو در بهره‌گیری از تخفیف‌های نفتی روسیه است. ترکیه سومین واردکننده نفت و گاز از روسیه است و برخلاف دیگر کشورها، ترکیبی متنوع از هر سه حامل انرژی را وارد کرده است. اتحادیه اروپا با وجود اعمال تحریم‌ها، همچنان تجارتی معادل ۶۰ میلیارد دلار با روسیه داشته که نشان می‌دهد فرآیند جایگزینی انرژی برای اروپا هنوز کامل نشده است. سایر کشورها همچون برزیل، سنگاپور، کره جنوبی و عربستان سعودی سهمی محدود اما معنادار داشته‌اند. به بیانی دیگر این اتفاق گویای چرخش ژئواونژیک روسیه به سوی بازارهای آسیایی است؛ امری که نه‌تنها درآمدهای حیاتی مسکو را در دوران تحریم‌ها تضمین کرده، بلکه توازن انرژی جهانی را نیز به نفع محور شرق تغییر داده است.

باج‌گیری ۱ تریلیون دلاری از خاورمیانه

داستان اجبار ترامپ برای سرمایه‌گذاری‌های میلیارد دلاری کشورهای خاورمیانه در آمریکا تمامی ندارد و اتفاقاً رکورددار این سرمایه‌گذاری‌ها کشوری عربی هستند. در همین راستا، با سفر ترامپ به منطقه، در ماه مارس سال ۲۰۲۵ ترامپ از عربستان سعودی درخواست سرمایه‌گذاری ۱ تریلیون دلاری در ایالات متحده را داشت. همچنین پس از سرمایه‌گذاری ۳٫۳ میلیارد دلاری قطر در آمریکا در سال ۲۰۲۳ این بار در نیمه ماه مه ۲۰۲۵ توافق تاریخی و نجومی این کشور حسابی خبرساز شده و صندوق سرمایه‌گذاری ملی قطر اعلام کرده قصد دارد در یک سال اخیر ۵/۵ میلیارد دلار و طی ۱۰ سال آینده حدود ۵۰۰ میلیارد دلار در اقتصاد آمریکا سرمایه‌گذاری کند. همچنین طی ۱۰ سال اخیر، امارات متحده عربی تعهد ۱٫۴ تریلیون دلاری برای سرمایه‌گذاری در آمریکا را داده است.



بزرگ‌ترین واردکنندگان انرژی از روسیه از سال ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۵

از منظر اقتصادی، ارزش فعلی محصولات نهایی پتروشیمی حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ دلار به ازای هر تن است، درحالی‌که با تکمیل زنجیره ارزش، این رقم می‌تواند به حدود ۱۰۰۰ دلار به ازای هر تن افزایش یابد. تحقق چنین جهشی مستلزم بازنگری جدی در روند خصوصی‌سازی و ایجاد نقش حاکمیتی مؤثر برای شرکت ملی صنایع پتروشیمی به عنوان نهاد نظارتی و راهبردی است. نگاه مهم دیگر در کندی روند توسعه، تحریم‌های بین‌المللی است که مانع ورود فناوری و تجهیزات نوین به کشور می‌شود. راهکار مقابله با این مسئله، تکیه بر ظرفیت‌های داخلی و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان است. این شرکت‌ها برای فعالیت مؤثر به سرمایه‌گذاری و تضمین کافی نیاز دارند. در صورت حمایت مالی مناسب، نه‌تنها نیاز داخلی تأمین خواهد شد، بلکه امکان صادرات تجهیزات نیز فراهم می‌شود. صنعت پتروشیمی ایران برای راهی از وابستگی به دیگر کشورها به یک جهش علمی اساسی نیازمند است. اما تا زمانی که رویکرد غالب بر صنعت، توسعه‌محور نباشد، ارتقای دانش فنی نیز به‌صورت مطلوب پیش نخواهد رفت. البته نمی‌توان ادعا کرد حرکت در مسیر توسعه به‌طور کامل متوقف شده است. برخی مجموعه‌ها فعالیت‌های ارزشمندی آغاز کرده و به دستاوردهایی نیز رسیده‌اند. با این حال، برای دستیابی به جهش علمی و افزایش سود پایدار، لازم است توسعه صنعت پتروشیمی به دغدغه‌ای مشترک برای تمامی مجتمع‌ها بدل شود. تنها در این صورت می‌توان چشم‌اندازی روشن‌تر از آینده این صنعت راهبردی ترسیم کرد.

به‌عنوان رانده شود. به‌عنوان نمونه، صندوق بازنشستگی کشوری به‌عنوان یکی از سهام‌داران عمده این حوزه، به‌جای سرمایه‌گذاری در توسعه صنعت، تمرکز خود را بر تأمین منافع ماهانه و پرداخت حقوق بازنشستگان قرار داده است. بنابراین خصوصی‌سازی در این حوزه، برخلاف هدف اصلی خود، نه به ورود سرمایه‌گذاران توسعه‌محور، بلکه به حضور نهادهای شبه‌دولتی با رویکرد صرفاً سودآور منجر شد. از اینجاست که رویکرد توسعه‌محور در برابر رویکرد سودآور قرار می‌گیرد و متأسفانه کفه ترازو به نفع سودآوری سنگین‌تر است. پیش از آغاز این روند، شرکت ملی صنایع پتروشیمی نقش نظارتی پررنگی بر مجتمع‌ها ایفا می‌کرد، اما با واگذاری‌ها، این نقش تضعیف شد. امروز این شرکت با نوعی پارادوکس نهادی مواجه است: از یک‌سویا خصوصی‌سازی، توان سرمایه‌گذاری خود را دست داده و از سوی دیگر، همچنان مأموریت تحقق اهداف سند چشم‌انداز صنعت پتروشیمی را بر دوش دارد. روشن است که حفظ توانمندی‌های NPC برای هدایت صنعت به سمت توسعه ضروری است. این شرکت باید ضمن حمایت از سرمایه‌گذاران و فراهم کردن بستری‌های مناسب، توانایی تأمین سرمایه‌گذاری‌های کلان را نیز داشته باشد. پس از گذشت سال‌ها، حتی برخی مجتمع‌های پتروشیمی نیز به این نتیجه رسیده‌اند که لازم است شرکت ملی صنایع پتروشیمی دوباره در رأس امور قرار گیرد؛ چراکه توان تکمیل زنجیره ارزش و توسعه واحدهای زیرمجموعه خود را دارد؛ امری که بخش خصوصی یا شبه‌خصوصی چندان بدان اطمینانی ندارد.

زیر مجموعه وزارت نفت، مسئولیت طراحی، توسعه، اجرا و نظارت بر این صنعت را بر عهده داشت و تمامی مجتمع‌ها (نظیر بندر امام، اراک، مازون، بویلی، خارک و...) تحت مالکیت دولت بودند. اما از سال ۱۳۸۴، با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، روند واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی آغاز شد. صنعت پتروشیمی به دلیل ارزش صادراتی بالا و جذابیت برای سرمایه‌گذاران، از نخستین بخش‌هایی بود که وارد این فرایند شد.

با این حال، خصوصی‌سازی در معنای واقعی خود محقق نشد. دلیل آن را می‌توان در چند محور خلاصه کرد: بخش عمده‌ای از شرکت‌های واگذارشده عملاً از طریق رد دیون دولتی، به نهادهای شبه‌دولتی یا خصوصی منتقل شدند، نه به بخش خصوصی واقعی. بسیاری از واگذاری‌های شرکت‌های پتروشیمی با قیمت‌های غیرواقعی و بدون رقابت جدی انجام شد. برخی خریداران صرفاً مالکیت را به دست آوردند و هیچ‌کوه توسعه‌ای در زیرساخت یا زنجیره ارزش ایجاد نکردند. نظارت کارآمدی از سوی دولت یا نهادهای ناظر (نظیر دیوان محاسبات یا سازمان بازرسی) بر عملکرد مجتمع‌های واگذارشده وجود نداشت. نتیجه این روند، شکل‌گیری انحصار چند هلدینگ بزرگ شبه‌دولتی بسود که اکنون بخش قابل توجهی از بازار را در اختیار دارند. چنین انحصاری موجب شد سهام‌داران و مالکان این صنعت بیش از هر چیز به کسب سود کوتاه‌مدت بپردازند و مسئله توسعه بلندمدت صنعت